

جایگاه موفقیات

در منابع تاریخ اسلام

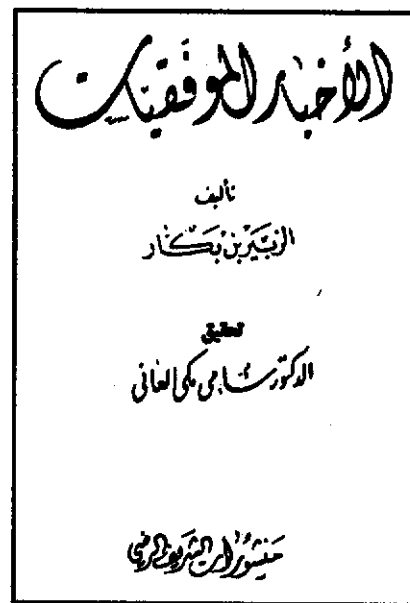
رسول جعفریان

«مقتل» و نظایر آنها به نگارش درآمد. اندکی بعد با تلفیق این آثار تواریخ عمومی پدید آمد. این حرکت بیشتر از نیمه دوم قرن سوم رایج شد. تا پیش از آن همان تک نگاریها که به طور عمده با پیشوند «اخبار» همراه بود، نگاشته می شد. مورخان چون ابومخنف، مدائنی، جلودی و هشام کلبی متعلق به این نسل هستند و یعقوبی، خلیفه بن خیاط، دینوری و طبری متعلق به نسلی هستند که به تواریخ عمومی روی آوردند.

زیبر بن بکار (م ۲۵۶) از آخرین افراد متعلق به نسل تکنگاری است. این تکنگاری به معنای مقاله نویسی کوتاه نیست، چراکه برای نمونه باید «وقعة صفین» نصر بن مزاحم را با آن حجم بسیار یک تکنگاری به شمار آوریم. بیشتر آثار زیبر بن بکار پیشوند اخبار دارد. باید توجه داشت که در آن زمان به عالم تاریخدان، «اخباری» گفته می شد. این امر دلیلی جز این نداشت که کار مهم او نقل اخبار بود و آثارش مثلاً: أخبار الاشعث، أخبار المدینه و ...

پیشوند اخبار، بویژه در شرح حال افراد ادیب و شاعر و سیاستمدار به کار می رفت. یاقوت از زیبر بن بکار با عنوان «اخباری» یاد کرده است.^۱

زیبر بن بکار فرزند عبدالله بن مصعب بن ثابت بود و ثابت فرزند عبدالله بن زیبر که سالها بر حجاز و عراق حکمرانی کرد و در برابر امویان ایستاد و عاقبت در سال ۷۳ هـ کشته شد. در



زیبر بن بکار، تحقیق: الدكتور سامی مکی العائنی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۲ ش (۱۴۱۶).

سنت تاریخنگاری در میان مسلمانان، سستی نیرومند، پویا و فراگیر بوده است. این دانش تحت تأثیر ایام العرب جاهلی، قصص قرآنی و دانش حدیث سرعت رشد کرد و ترکیبی از روشهای رایج در سه دانش پیشگفته را برای بیان رخدادهای تاریخی برگزید. تاریخ دینی در قالب حدیث رشد کرد و تاریخ تحولات در قالب تکنگاریهایی تحت عنوان «اخبار» (وقعة)

۱. معجم الادباء، ج ۴، ص ۲۱۸.

خانندان زبیر علایق علمی وجود داشته است. از متقدمین آنها عروة بن زبیر است که عمده راوی اخبار عایشه است و از متأخرین آنها یکی مصعب زبیری و دیگری همین زبیر بن بکار. مصعب، عموی زبیر بن بکار بود، و دقیقاً از نظر علمی زمینه مشترکی با وی داشته است. شاهد مهم، آنکه از هر دو کتابی در نسب قریش برجای مانده است.

زمینه کار علمی زبیر بن بکار، تاریخ، نسب و شعر و ادب است. اینها علومی بوده که با هم پیوندی عمیق داشته است. مورخان یا بهتر است بگویم اخباریان آن عهد، هم آثاری در تاریخ می نوشته اند، هم در نسب و گاه مثل بلاذری آنها را با عنوان انساب الاشراف تلفیق می کرده اند. در میان آثار آنها شرح حال یا به اصطلاح خودشان ترجمه شعرا و ادیبان نیز فراوان بوده است. جمع این قبیل اخبار در کسکولهای ادبی-تاریخی صورت می گرفته که در شمار قدیمی ترین آنها البیان والتبیین جاحظ، عیون الاخبار ابن قتیبه و پس از آنها العقد الفرید و نثر الدرر را باید یاد کرد.

زبیر بن بکار از چیره دستان این قبیل آگاهیهاست؛ هم کتاب موفقیات او، و هم کتاب «نسب قریش و اخبارها» نشان از احاطه او بر اخبار تاریخی و نسب قبیله پرنفوذ قریش دارد. در این جا مناسب است اشاره کنیم که آثار برجای مانده قرن سوم، بویژه نیمه نخست آن از هر جهت باید غنیمت تاریخی به شمار آید. این آثار مملو از اخباری است که هنوز زیر فشار اجتماعی-مذهبی موجود تاحدی طاقیت آورده و می توان اخبار درست فراوانی را در آنها یافت. به علاوه آثار این قرن در واقع به استثنای چند متن کوتاه و بلند از قرن دوم-کهنترین آثاری است که به دست ما رسیده و لاجرم تکیه گاه ما در تحلیل تحولات تاریخی دو قرن نخست هجری است.

دو اثر برجای مانده زبیر بن بکار نیز، در شمار همین گونه آثارند؛ آثاری که حتی با وجود برخی از گرایشات خاندانی و طایفه ای، حاوی اخبار تاریخی منحصر به فرد و بسیار باارزشند.

درباره زبیر بن بکار

از زندگی سیاسی-اجتماعی زبیر بن بکار آگاهی فراوانی در دست نیست. تنها می دانیم که وی در سالهای پایانی زندگی خود، قاضی شهر مکه بوده و این سمت را متوکل عباسی-خلیفه مشرور و پست عباسی-به عنوان پادشاه به وی واگذار کرده بود. پیش از آن نیز وی با حکومت عباسی مرتبط بوده است؛ از جمله نام همین کتاب الموفقیات، برگرفته از ابواحمد طلحة الموفق فرزند متوکل عباسی

است. ابواحمد در عهد خلافت برادرش معتمد ولایتعهدی را داشت، اما عمرش برای خلافت دوام نیاورد و درگذشت. زبیر بن بکار کتاب الموفقیات را به نام وی نگاشته و این حکایت از روابط نزدیک وی با خاندان عباسیان دارد. به هر روی او عالمی پرنفوذ و متعلق به طایفه قریش بود و به طور طبیعی شخصیتی برجسته به شمار می آمد، بویژه که عمری نسبتاً دراز یافت و فرصت آن را داشت تا بر این نفوذ خویش بیفزاید. وی پس از هشتاد و چهار سال زندگی در ذی حجه سال ۲۵۶ درگذشت.

مصادر رجالی اهل سنت به طور کلی او را توثیق کرده اند. دارقطنی، بغوی و خطیب بغدادی در شمار کسانی هستند که وی را موثق شمره اند؛^۲ اما احمد بن علی سلیمانی سخت بر وی تاخه او را منکر الحدیث دانسته و در شمار جاعلان حدیث آورده است.^۳ در این صورت به رغم دفاع ابن حجر از وی، باید درباره اخبار او محتاط بود. اکنون معیار سلیمانی مذکور را در تضعف و توثیق نمی دانیم؛ شاید به خاطر برخی اخباری که وی درباره سقیفه آورده این چنین متهم شده، شاید هم بدبینی عمومی که دامنگیر اخباریان آن زمان بود، سبب تضعیف مزبور شده باشد. این نیز محتمل است که سلیمانی آگاهی ویژه ای درباره او داشته و یا روایت او را از راویان ضعیف-کاری که اخباریان به اجبار به آن تن می دادند تا کتب تاریخی خود را حجیم و پر بار کنند-دانسته است. این آخری، با آنچه سلیمانی درباره زبیر آورده و وی را در شمار جاعلان حدیث یاد کرده، سازگاری ندارد. به هر روی باید گفت که مشکل توثیق و تضعیف درباره مورخان و اخباریان همیشگی بوده و کمتر مورخی را از آن عهد می توان یافت که از این بابت مصون مانده باشد.

از خود زبیر بن بکار که بگذریم باید گفت خوشبختانه کتاب وی مجموعه روایات تاریخی است که هر کدام به طور مستند نقل شده و سبک حدیثی بر آن حاکم است؛ یعنی هر

۲. مقدمه الموفقیات، ص ۱۷.

۳. همان.

در این کتاب سه گونه خبر دارد. یکی اخباری که در هیچ مصدر دیگری نیامده است؛ دوم اخباری که تنها مختصر در مصادر دیگر آمده و تفصیل آن را باید در اینجا یافت و سوم اخباری که البته در مصادر دیگر نیز آمده است. به هر روی باید توجه داشت که ما این اخبار را در کتابی که در نیمه اول قرن سوم هجری تالیف شده، در اختیار داریم. مؤلف با بسیاری از قضایای مربوط به اواخر قرن دوم و یا دوره مأمون، معاصر بوده و از این جهت بر ارزش تاریخی این کتاب افزوده می‌شود.

آنچه که به نظر جالب می‌رسد، حساسیت مؤلف در گزینش اخبار است. این گزینش جهت‌گیری فکری و تحلیلی قوی دارد؛ نه آن که صرفاً از لحاظ صوری جالب باشد. به عبارات دیگر، بیشتر این نقلها در تحلیل تاریخ دو قرن اول هجری کاربرد دارد و کمتر خبری است که بتوان از آن صرف نظر کرد. البته یک محقق باید تمامی کتاب را بخواند تا بتواند از آنچه در آن پراکنده است، بهره جوید؛ زیرا کتاب ترتیب تاریخی مشخصی ندارد و از اساس نیز مؤلف بنای چنین کاری را نداشته است.

پیش از آن که مروری دقیقتر بر محتوای آن داشته باشیم، این مطلب را هم درباره کتاب موفقیات بگویم که متأسفانه، نسخ باقی مانده از این کتاب کامل نبوده و تنها بخشی از کتاب که باید گفت نسبتاً مفصل است، در اختیار ما قرار گرفته است. با این حال محقق آن تلاش کرده تا قسمت مفقود آن را نیز، با کمک اخباری که دیگران در قرنهای گذشته از آن برگرفته‌اند، به نوعی بازسازی کند. لذا «قسم الضائع» آن که شامل ۵۸ خبر تاریخی است و عمدتاً از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است، در پایان کتاب (ص ۵۷۳ به بعد) آمده است. باید از محقق به خاطر ضمیمه کردن این بخش سپاسگزار بود. به نظر می‌رسد که فاش گوئی این کتاب در اخبار تاریخی، آن را برای متعصبان، غیر قابل تحمل کرده و از این جهت کتاب مزبور همانند بسیاری از آثار دیگر قرن سوم مورد بی‌مهری قرار گرفته و به همین دلیل بسیاری از آنها از بین رفته است.

گزیده اخبار الموفقیات

در اینجا برآنیم تا مروری بر فهرست مهمترین اخبار این کتاب با تأکید بر جهت‌گیریهای فکری و سیاسی آن داشته باشیم. طبیعی است که موضوعات آن متنوع است و ما می‌کشیم تا بخشی از آنها را منظم کرده و ذیل عناوینی خاص بیاوریم.

حکایت سند مستقل خود را دارد و از این جهت می‌توان آن را ارزیابی کرد. با این حال باید این حقیقت را فاش گفت که داشتن سند و سالم بودن روایت آن به معنای آن نیست که روایت مزبور حتماً درست خواهد بود، چه، «جعل سند» همانند «جعل خبر» کار دشواری نبوده است. پس باید با دقت بیشتری به ارزیابی متون اخبار پرداخت و در کنار آن کار سندی نیز انجام داد.

موفقیات چگونه کتابی است؟

اشاره کردیم که کتابهای تاریخی آن روزگار یا به صورت تکنگاری درباره رخداد ویژه‌ای است و یا تاریخ عمومی یک دوره تاریخی؛ و گفتیم که زبیر بن بکار مربوط به نسل تاریخنگاری از نوع تکنگاری است. اکنون پرسش آن است که اخبار الموفقیات چگونه کتابی است.

کتاب موفقیات دربرگیرنده ۴۲۹ خبر تاریخی است، هر کدام از دو سه سطر تا دو یا سه صفحه. این حکایات به طور عمده تاریخی است و کمتر ادبی، و محور اصلی آن مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دو قرن نخست هجری است. در واقع زبیر بن بکار بر آن بوده تا از مجموعه این تحولات، آنچه را که جالب، شیرین، آموزنده و مهم بوده گلچین کرده و در این کتاب عرضه کند. از این جهت باید گفت، کتاب وی گرچه نمی‌تواند در قالب یک تکنگاری از یک واقعه شناخته شده و یا در شمار تواریخ عمومی درآید، اما خود، دارای سبک بسیار نوی است که آن را برای علاقه‌مندان به تاریخ خواندنی می‌کند.

در این میان آنچه اهمیت دارد، اصل گزینش است. مروری بر فهرست مطالب کتاب ارزش آن را آشکارتر می‌سازد. تقریباً همه اخبار جهت‌گیری خاصی داشته و ما باید آن را مجموعه یادداشتهای مورّخی بدانیم که در طول زندگی خود آنها را در دفترچه‌ای فراهم آورده است. می‌دانیم که این یادداشتهای به لحاظ آن که توسط یک مورّخ فراهم آمده، آن هم در طول سالها، چه اندازه ارزشمند است. محقق کتاب در همان مقدمه نوشته است که زبیر بن بکار

مناسبات انصار با قریش

آگاهیم که انصار چه فداکاریهایی برای اسلام کردند و چگونه مهاجران را پناه دادند. با این حال در سالهای پایانی زندگی رسول خدا (ص) تقابل انصار با قریش آغاز شد و آثار آن در تشکیل سقیفه آشکار گردید. به رغم آنکه انصار بنا به شرایط ویژه خود با حکومت قریش موافقت کردند، اما چندی نگذشت که تقابل مزبور در شکل تحقیر و تبعیض نسبت به انصار آغاز شد. این وضعیت سال به سال علنی تر می شد، تا آنکه در شورش بر ضد عثمان، انصار موضع ضد قریشی خویش را نشان دادند. آنها از امام علی (ع) که مخالف سرسخت حاکمیت قریش بود - مقصود حزب سیاسی قریش است نه نسب - دفاع کردند. با این حال باروی کار آمدن بنی امیه، آنها کینه انصار را به دل گرفتند و از زوایای مختلف به تحقیر آنها پرداختند.

کتاب الموققیات حاوی اسناد و اخبار فراوانی در این زمینه است. این اخبار به اندازه ای مرتب در این کتاب آمده که بر اساس آنها می توان تحلیل منظمی را در این باره به دست داد.

اخبار چگونگی نزاع میان انصار و امویان، در قالب بر خوردهای ادبی و شعری در صفحات ۲۲۷-۲۵۶ کتاب الموققیات آمده است. جز آن در سایر بخشهای کتاب نیز به صورتی پراکنده به بحث انصار پرداخته شده است؛ مثلاً:

المأمون والانصار (ص ۲۸۵)،

أشد قریش علی الانصار بعد بیعة ابي بكر (ص ۵۸۳)،

شعر حسان فی الرد علی قریش (ص ۵۸۵)،

شاعر قریش یرد علی الانصار (ص ۵۸۵)،

رد معن بن عدی و عمرو بن ساعدة علی الأنصار (ص ۵۸۷)،

فروة بن عمرو يعاتب معنا و عویما (ص ۵۹۰)،

قول عمرو بن العاص يوم السقیفه و جواب الانصار (ص ۵۹۱)،

شعر خالد بن سعید يوم السقیفه (ص ۵۹۴)،

عمرو بن العاص یرد علی الانصار و جواب علی (ص ۵۹۵)،

شعر خزیمة بن ثابت فی مخاطبة قریش (ص ۵۹۶)،

شعر الفضل بن العباس فی نصره الانصار (ص ۵۹۷)،

عمرو بن العاص یخرج من المدینه حتی یرضی عنه علی

۴. اخبار الموققیات، ص ۳۱۲، ش ۱۷۱ (و شماره های ۱۷۲-۱۷۴).

اخبار امیر المؤمنین - علیه السلام -

به رغم آنکه خاندان زبیر با بنی هاشم روابط مناسبی نداشته است، اخبار الموققیات، اخبار قابل توجهی درباره امام علی - علیه السلام - دارد. یکی از جالبترین آنها تحت عنوان «رسول الله یوصی بولایة علی» چنین است: ... عن عمار بن یاسر قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله:

أوصی من آمن بالله وصدقني بولایة علي بن ابي طالب، من تولاه فقد تولاني ومن تولاني فقد تولی الله، ومن أحبه فقد أحبني ومن أحبني فقد أحب الله عز وجل.^۲

وی در ادامه، سه سند دیگر نیز برای این خبر نقل کرده است. این امر تأکید مؤلف را بر درستی این حدیث نشان می دهد.

درباره امام علی (ع) اخبار دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از:

من قضاء الامام علی - علیه السلام - ص ۸۸، ش ۳۵.

من قضاء الامام علی - علیه السلام - ص ۱۱۱، ش ۴۹.

عایشه و استشهاده علی - علیه السلام - ص ۱۳۱، ش ۵۹

(خبر خوشحالی و سرور عایشه از شهادت امام!!).

خطبة علی (ع) بین الصفتین بالنهران ص ۳۲۵، ش ۱۸۱.

حزن علی (ع) علی محمد بن ابي بكر ص ۳۴۷، ش ۲۰۲.

من قضاء الامام علی - علیه السلام - ص ۳۶۳، ش ۲۱۵.

قصة تزویج الامام علی - علیه السلام - مع فاطمه سلام الله

علیها، ص ۳۷۶-۳۷۵، ش ۲۳۰، ۲۳۱.

مدافعة علی - علیه السلام - من الانصار علی عمرو بن

العاص ص ۵۹۵، ش ۳۸۶.

جز اینها اخبار دیگری نیز دارد که به نحوی از امام - علیه

السلام - در آنها یاد شده است. در ضمن دو خبر هم درباره امام

صادق - علیه السلام - دارد؛ یکی: «دعاء جعفر بن محمد يمنع

المنصور من قتله» (ص ۱۴۹، ش ۷۳) و دیگری: «محاورة

جعفر الصادق مع ابي حنیفه» (ص ۷۵، ش ۲۵) که درباره

قیاس است.

والمهاجرون (ص ۵۹۹)،

الولید بن عقبه یستم الانصار و یذکرهم بالهجر (ص ۵۹۹).

از این عناوین بخوبی می توان موضع اصولی انصار را در برابر قریش دانست؛ گرچه به دلیل اختلافات داخلی، این موضع اصولی خود را در سقیفه نشان نداد. با این حال به سرعت آشکار شد که انصار تمایل قلبی به حاکمیت قریش ندارند. از این رو بلافاصله اوس و خزرج بر سر نخواستن ابوبکر یا یکدیگر به نزاع برخاستند. زبیر بن بکار از محمد بن اسحاق نقل می کند که: ان الأوس تزعم ان اول من بايع ابابکر بشیر بن سعد و تزعم الخزرج ان اول من بايع أسید بن حضیر!! (ص ۵۷۸). معنای سخن این بود که بیعت اول را بر عهده قبیله مخالف می گذاشتند. از همین عناوین روشن می شود که حزب سیاسی قریش که همان خلفا و ایادی آنها نظیر عمرو بن عاص، ولید بن عقبه و برخی دیگر بودند، چگونه با انصار برخورد می کردند. در برابر، علی (ع) و فضل بن عباس مدافع انصار شدند و این همان نکته ای است که پیشتر اشاره کردیم که امام علی (ع) مخالف حاکمیت حزب قریش بود.

اخبار مأمون

مأمون از چهره های فرهنگی حکومت عباسی است. فردی سیاستمدار و در عین حال علاقه مند به علم و فلسفه. اخبار سیاسی وی را در کتابهای تاریخی آورده اند، اما اخبار فرهنگی او پراکنده در آثار ادبی آمده است.

کتاب موفقیات نیز حاوی بخشی از این اخبار است. ارزش این اخبار به دلیل معاصر بودن مؤلف با دوره حکومت مأمون آشکار می شود. درباره مأمون اخبار فراوانی در این کتاب آمده که شماره صفحات آن از این قرار است: ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۷۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۲۸۴، ۲۸۵.

باید توجه داشت که وی اصولاً اخبار مربوط به برخوردهای مختلف خلفا را آورده و از این جهت و بررسی تاریخ سیاسی دوره اموی و عباسی بدون ملاحظه کتاب موفقیات، ناموفق خواهد بود.

در یک کلام کتاب موفقیات حاوی اخبار بکر و بدیع در زمینه تاریخ اسلام بوده و مهمترین زمینه خبری آن اخبار سیاسی، اجتماعی و ادبی است. در زمینه ادب شرح حال شماری از شعرا و برخی از آثار شعری آنها را آورده است. در

مناسبات صحابه با یکدیگر اخبار قابل توجهی دارد: عثمان یشکوا علیاً الی العباس (۶۱۰)؛ بین عثمان و علی (۶۱۲)؛ رجل یستشفع علیاً الی عثمان (۶۱۳)؛ عثمان یستنصر علیاً و ابن عباس (۶۱۴)؛ عثمان یعود علیاً فی مرضه (۶۱۸).

با ملاحظه قسم از بین رفته موفقیات و آنچه از آن قسمت در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید باقی مانده، می توان دریافت که کتاب موفقیات اثری بدیع در نشر اخباری بوده که بعدها مورخان آنها را به فراموشی سپرده اند. اخباری که بویژه در اقصای برخی از مسائل حساس تاریخی اهمیت داشته و متأسفانه تنها بخشی از آنها باقی مانده است. یک نمونه جالب، خبری است درباره اصرار امویان در از بین بردن یک اثر مهم تاریخی در زمینه سیره رسول خدا (ص). در این خبر آمده است سلیمان بن عبدالملک در زمان ولایتعهدی به مدینه آمد و از ابان بن عثمان بن عفان شنید که او سیره ای تدوین کرده. زمانی که آن سیره را بر وی خواندند، دید که در آن از حضور انصار در عقبه اول و دوم و در بدر یاد شده است. سلیمان گفت: «ما کنت أری لهؤلاء القوم هذا الفضل؛ گمان نمی بردم که این طایفه فضلی داشته باشند.» پس از آن دستور داد تا آن سیره را سوزانند. وقتی به دمشق بازگشت، پدرش از او ستایش کرد و گفت: «ما حاجتک أن تقدم بکتاب لیس لنا فیه فضل!» (ص ۳۳۳).

این خبر در منبع دیگری نیامده، اما تمام شواهد بویژه کینه امویان نسبت به انصار آن را تأیید می کند.

*

روشن است که در اینجا نمی توان بر تمامی اخبار این کتاب با ارزش مروری هر چند به اجمال داشت. به علاوه قصد ما آن نیست که همه آنچه را که زبیر بن بکار در این کتاب آورده، تأیید کنیم؛ اما به هر روی باید آگاه بود که موفقیات کتابی است با ارزش که جایگاه بالایی در منابع تاریخ اسلام دارد.

